

از واردات و تقدیسات سهروردی تا سمینادهای آذرکیوان



میراث اشراقی

دکتر نفیسن

دکتر ملیحه کرباسیان



از واردات و تقدیسات سهروردی
تا سمینادهای آذرکیوان

دکتر ملیحه کرباسیان

میراث اشراقی در فارسی و عربی و ترکی: دفتر نخست

به آموزگار اوّل دبستانم
آقای هادی طبرستانی

از واردات و تقدیسات سهروردی

تا سمینادهای آذرکیوان

دکتر ملیحه کرباسیان



سرشناسه	: کرباسیان، ملیحه ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: از واردات و تقدیسات سهروردی تا سمینادهای آذرکیوان / ملیحه کرباسیان
مشخصات نشر	: تهران: شولا، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۲ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروست	: میراث اشراقی در فارسی و عربی و ترکی؛ دفتر نخست
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۷۷۰ - ۴۵ - ۳
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹ - ۵۸۷ ق، الواردات و التقدیسات من قبل
	الطَّلسمات - نقد و تفسیر
موضوع	: آذرکیوان، ۹۴۲ - ۱۰۲۷ ق، دساتیر آسمانی - نقد و تفسیر
موضوع	: دساتیر - متون قدیمی تا قرن ۱۴
	Dasātīr - Early works to 20 th century
	عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴
	Mysticism - Early works to 20 th century
رده‌بندی کنگره	: BBR ۷۶۶
رده‌بندی دیویی	: ۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۳۱۴۵۴۲



از واردات و تقدیسات سهروردی تا سمینادهای آذرکیوان

دکتر ملیحه کرباسیان

طراحی جلد: محسن رزاقی

چاپ و صحافی: نسیم

چاپ اول: ۱۴۰۲

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

ISBN: 978-964-7770-45-3

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۷۷۰ - ۴۵ - ۳

تکثیر و انتشار این اثر به هر روش (بازنویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی و ذخیره در سیستم بازیابی و پخش) بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از مؤلف و ناشر ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.
آدرس: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - نرسیده به منبری جاوید - پلاک ۱۰۵ - طبقه همکف - تلفن: ۶۶۴۰۱۵۴۱ و ۶۶۴۰۱۴۴۵

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
	از واردات و تقدیسات سهروردی تا سمینادهای آذرکیوان
۱۱	درآمد
۱۳	رسالة الواردات و التقدیسات من قبل الطلسمات
۱۹	ساختار رساله و محتوای نیایش‌ها
۲۲	نسخه‌شناسی
۲۹	کتاب دساتیر آسمانی
۳۰	ساختار رساله و محتوای آن
۳۶	نسخه‌شناسی
۳۹	فهرست منابع

الواردات و التقدیسات به روایت دساتیر

۴۷	کتاب یاسان / تمجید الرابع
۵۵	کتاب شای کلیو / وارد تقدیس الأعلى لكل يوم
۷۳	کتاب گلشاه / وارد تقدیس يوم السبت لزحل
۸۱	کتاب سیامک / وارد تقدیس يوم الخميس للمشتري
۹۱	کتاب هوشنگ / وارد تقدیس يوم الثلاثاء للمریخ

- کتاب تهمورس / أوراد تقدیس الشمس، يوم الأحد ۹۹
- کتاب جمشید / وارد تقدیس يوم الجمعة للزّهرة ۱۱۱
- کتاب فریدون / أوراد تقدیس يوم الأربعاء لعطارد ۱۱۹
- کتاب منوچهر / وارد تقدیس يوم الإثنين للقمر ۱۲۷

پیشگفتار

این کتاب بخشی کوچک از پژوهشی است که از تابستان ۲۰۱۱ تا زمستان ۲۰۱۵ میلادی برای «بنیاد پژوهش‌های آلمان»^۱ (DFG) در دانشگاه بُن انجام گرفت. این پژوهش شامل بررسی و منبع‌یابی آثار آذرکیوانی، به ویژه دو کتاب جام کیخسرو و دساتیر آسمانی بود. کتاب دیگر این گروه یعنی آیین هوشنگ نیز به عنوان پایان‌نامه دکترای پذیرش بخش اسلام‌شناسی دانشگاه بُن قرار گرفت که در تابستان سال ۲۰۱۸ متن تمام‌شده آن به این دانشگاه ارائه گردید. متن‌های تصحیح و تحقیق‌شده جام کیخسرو (در سال ۲۰۱۵ م) و کتاب دساتیر (در سال ۲۰۱۷ م) به مدیر پروژه تحویل داده شد؛ و جلسه دفاع از پایان‌نامه دکترای نیز در تابستان سال ۲۰۱۹ میلادی، چند ماهی پیش از شروع همه‌گیری کرونا برگزار شد.

از آنجا که امکان دستیابی به آثار منتشر شده در خارج از ایران برای خوانندگان ایرانی ساده نیست، بر آن شدم که نتیجه پژوهش را با تغییراتی به زبان فارسی نیز منتشر سازم. کتاب پیش رو بخشی از پژوهش دساتیر است که به صورت جداگانه و با افزودن منابع جدیدتر منتشر می‌شود. نگارنده مقاله کوتاهی نیز در این باره در سال ۲۰۱۶ در شماره ۲۸ مجله مطالعات شرقی (Orientierungen) در آلمان به چاپ رساند. در کنار این اثر، برآنم تا متن دساتیر را نیز پس اعمال تغییراتی منتشر سازم؛ همین‌طور

^۱ Deutsche Forschungsgemeinschaft.

متن کامل رساله *الواردات و التقدیسات* با همراهی همسرم تصحیح و تحقیق و آماده انتشار گردیده و امید است که هر دو اثر به فاصله کوتاهی پس از این کتاب منتشر شوند.

پروفسور کریستیان برومبرژه (Prof. Christian Bromberger)، مدیر پیشین انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، به هنگام حضورشان در ایران، نسخه دستیر در مجموعه نسخه‌های گردآورده هانری کربن را در اختیارم نهادند؛ آقای محمدعلی باقرزاده نیز با دقت و حوصله ترجمان فارسی‌ام از گزیده *الواردات و التقدیسات* را از نظر گذراندند و نکته‌های مفیدی را یادآور شدند. از هر دو ایشان و همینطور از همسرم دکتر محمد کریمی زنجان‌ی اصل سپاسگزارم که مانند همیشه همراه و پشتیبان من بوده است.

از واردات و تقدیسات سهروردی
تا سمنادهای آذرکیوان

درآمد

نیایش‌هایی که در ادامه ارائه می‌گردد از سه کتاب از دو نویسنده ایرانی است که هر دو پس از مهاجرت و در غربت آثار خود را به نگارش درآورده‌اند. شهاب‌الدین یحیی سهروردی پس از مهاجرت به منطقه آناتولی (ترکیه و سوریه امروزی) و سکونت در دربارهای سلجوقی و ایوبی آثار اشراقی خود را با توجه به آموزه‌های ایران کهن خلق کرد؛ و آذرکیوان پس از مهاجرت به هند و استقرار در پتنا با ترجمه آثار اشراقی و ترکیب آنها با برخی باورهای هندویی و ایرانی مدعی معرفتی دینی نوین شد.

در اینجا ترجمه دو رساله سهروردی را که چند فصل (سمیناد) از دستاثر را دربر می‌گیرد بررسی می‌نماییم. نخست رساله‌های سهروردی و سپس دستاثر به کوتاهی معرفی می‌شوند.

ناگفته نماند که نخستین نیایشی که در اینجا ارائه می‌گردد از اثر دیگر سهروردی یعنی تمجیدات نقل شده است. هرچند این نیایش جزئی از الواردات نیست، اما از آنجا که بین آن و سایر نیایش‌ها هماهنگی وجود دارد، ترجیح داده شد که ترجمه تمجید رابع نیز در کنار ترجمه الواردات قرار گیرد.

به نظر محمد ملکی، تمجیدات مجموعه‌ای از نیایش‌های سهروردی است که در آثار مختلف او پراکنده بوده و چند تن از شاگردان یا مریدان شیخ آنها را جمع‌آوری و در قالب رساله درآورده‌اند. او بر آن است که

چون دعا از ویژگی‌های فرهنگ شیعی است این رساله‌ها نمایانگر گرایش شیخ به تشیع است.^۱ ادعایی که جای تردید بسیار دارد؛ چرا که همه ادیان مشوق خواندن دعا هستند و حتی زرتشتیان بسی بیش از شیعیان به این کار تأکید می‌ورزند. از طرف دیگر محتوای نیایش‌ها با باورهای ویژه تشیع ارتباطی ندارد.

تمجیدات دارای شش تمجید است که همه در ستایش «إله» یا «نور کل نور» است. سهروردی در تمجید نخست، خود را گناهکاری می‌داند که درخواست بخشش و رحمت دارد، اما در پنج تمجید بعدی تنها به ستایش «نور کل نور» و ذکر صفاتش می‌پردازد. در این رساله نشانی از نیایش سیارات یا دیگر اجرام آسمانی نیست. از تمجیدات دو تصحیح در ایران منتشر شده است: نخست ویراسته شادروان محمدتقی دانش‌پژوه در سال ۱۳۶۱ شمسی در کتاب *آرام‌نامه* (مجموعه مقالات تقدیم شده به استاد احمد آرام، به کوشش دکتر مهدی محقق) و بار دوم به کوشش محمد ملکی در سال ۱۳۸۹ شمسی که از روی چاپ مرحوم دانش‌پژوه برداشته شده و به سبب اشتباهات متعدد چندان قابل ارجاع نیست.^۲

^۱ ملکی (۱۳۸۹ش)، ص ۱۱.

^۲ برای نقد این اثر نک: قائم‌مقامی (۱۳۸۹ش)، صص ۵۴ - ۵۲.

حتی درباره اصالت یافته‌های ملکی نیز باید با تأمل برخورد کرد؛ چرا که در کتاب او در ارجاع به منابع نیز بی‌دقتی دیده می‌شود. برای نمونه در صفحه ۱۴ اظهار می‌دارد که بخش‌هایی از تمجیدات در آغاز *هیاکل النور* در قالب نیایش آمده است. نکته‌ای که کریمی زنجانی اصل در سال ۱۳۷۹ در مقدمه‌اش بر تصحیح متن فارسی و شرح کهن *هیاکل النور* (ص ۳۷) بیان کرده است. البته، ملکی در جای دیگری (ص ۴۳، پی‌نوشت شماره ۹۴) به شکلی ناقص و با حذف مشخصات کتابشناختی اثر و صرف اشاره به نام ناشر (چاپ نشر نقطه) به نوشته کریمی ارجاع داده است!

رسالة الواردات و التقديسات من قبل الطلسمات

این اثر شیخ شهاب‌الدین یحیی سهروردی، مجموعه‌ای از نیایش‌های مربوط به نورالانوار، هفت سیاره و روزها به زبان عربی است که آن را برای «طلسم بشری»^۱ به رشته تحریر درآورده است.^۲ سهروردی در اینجا مشخص نمی‌کند که منظور از طلسم بشری چیست؟ اما اگر آن را با «طلسم النوع الناطق» که در حکمت الاشراق متعلق به جبرئیل است^۳ یکی بدانیم، منظور او جبرئیل خواهد بود که در آن کتاب با صفت فارسی «روان‌بخش» تعریف شده،^۴ و واسطه انتقال قوای علوی بر نوع بشر است.^۵

الواردات و التقديسات برخلاف بیشتر آثار سهروردی، اثری به دور از تعالیم فلسفی است^۶ و فقط چند نیایش را دربرمی‌گیرد. پیونتاک بر آن است که شیخ اشراق این رساله را به گونه‌ای نگاشته است که گویی منشاء الهی

^۱ برای مفهوم طلسم در آثار سهروردی نک: کرباسیان (۱۴۰۲ش)، صص ۲۴۷ - ۲۴۰.

^۲ بنگرید به این فراز از رساله (سهروردی، نسخه شماره ۲۱۴۴، برگ ۱ پ؛ ۳۲۱۷، برگ ۲۲۹ پ):

«اقرأ رقيمك أيها الطلسم البشري».

^۳ سهروردی (۱۹۹۹م)، ص ۱۳۲.

^۴ نک. کرباسیان (۱۴۰۲ش)، صص ۲۴۴ - ۲۴۳.

^۵ سهروردی در التلويحات (۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۹۸) طلسم را این گونه تعریف می‌کند: «و الطلسمات و هي من أمزجة أرضية مخصوصة بهيئات وضعية أو قوی نفوس أرضية مخصوصة بأحوال فلكية أو انفعالية بينها و بين قوی سماوية مناسبة توجب آثاراً غريبة».

^۶ البتّه پیونتاک (2018, p. 397) آن را رساله‌ای در فلسفه عملی و عرفانی می‌داند.

دارد، یعنی به او وحی یا الهام شده است!^۱ یکی از دلایلی که او برای این ادعا ذکر می‌کند عدم هماهنگی بین فحوای مطالب هر بخش و پراکندگی اطلاعات (تبدید) در آنها است که پیونتاک آن را از ویژگی‌های قرآن می‌داند و نتیجه می‌گیرد که هدف نویسنده آن است که به گونه‌ای غیرمستقیم به خواننده القاء کند که رساله او همانند قرآن است!^۲ که البته این مسئله شامل بخش‌های مورد بحث ما در این کتاب نمی‌شود.

فصل‌هایی که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته، از نظر ساختار و مطالب با هم همخوانی دارند. اما نباید فراموش کرد که شهرت سبک نگارشی قرآن به دلیل استفاده از «تبدید» نیست؛ برخلاف آثار کیمیای جابر بن حیّان که او را مبدع اینگونه نگارش در روزگار اسلامی می‌دانند. پیونتاک دلایل قابل نقد دیگری نیز برای این نظریه مطرح می‌کند که همه به نخستین فصل‌های الواردات و التقدیسات مربوط است که بخش‌های مورد بحث من را دربر نمی‌گیرد و از این رو در اینجا به آنها نمی‌پردازم.

آنچه مسلم است، سهروردی، دست‌کم در این رساله، برای سیارات جنبه الوهی قائل است و آنها را نوعی پدر آسمانی می‌پندارد. او در مقدمه رساله تصریح می‌کند که مطالب مربوط به تقدس کُرّات، مطهرات آنها و... به زبان اشراقی بیان گشته است که نشان می‌دهد این باورها پیشتر هم وجود داشته‌اند، اما از دیگاه اشراقی به آنها توجه نشده بوده است. این نکته را تصریح او در نیایش اندرز کبیر (وارد الوصیة الکبیرة) به اینکه باور به تأثیر سیارات در زندگی انسان و پذیرفتن آنها به عنوان پدر آسمانی از آن هر مس است^۳ تأیید می‌کند.

^۱ Piątak (2018), p. 406.

^۲ Piątak (2018), p. 397.

^۳ بنگرید به این فراز از رساله (سهروردی، نسخه شماره ۲۱۴۴، برگ ۸ پ؛ ۳۲۱۷، برگ

بدیهی است که سهروردی باید از ترجمه عربی چنان آثاری استفاده کرده باشد؛ و اطلاع ما از ترجمه آثار مبتنی بر باورهای هرمسی از فارسی میانه به عربی، هم وجود نام‌های ایرانی کهن مانند اورمزد دادار، هورخش، مانگهار و ... را در نیایش‌های سهروردی مدلل می‌سازد و هم نشان می‌دهد که در ایران پیشا اسلامی زرتشتیان یا غیرزرتشتیانی با گرایش‌های هرمسی در ایران می‌زیسته‌اند که در این زمینه کتاب‌های چندی نگاشته بوده‌اند.^۱

در تأیید این کلام می‌توان به گفته سهروردی در رسالة کلمة التصوف استناد کرد که از گروهی از حکمای پارسی سخن می‌گوید که مجوس نیستند و پیرو حکمت روشنایی‌اند.^۲

امروزه در آثار شناخته‌شده زرتشتی ایران کهن، اثر مکتوبی از این گروه دیده نمی‌شود و متن‌های زرتشتی نشانگر ضدیت آنها با سیارات هستند، اما آثار غیر مکتوب می‌تواند تا حدودی این نظر را اثبات نماید. ساده‌ترین و دم دست‌ترین آنها وجود نمادهای سیاره‌ای در سفره هفت سین است. نام سنبل و سکه و ساعت در این سفره عربی است که بی‌تردید پیش از اسلام نام دیگری داشته‌اند، ضمن آنکه نام برخی از مواد اصلی سفره با سین آغاز نمی‌گردد، مانند آیین و شمع و تخم مرغ. در حقیقت سفره نوروزی که بازمانده باورهای ایرانیان پیشا زرتشتی است، در تکریم آباء

۲۳۳ پ؛ ۳۲۷۱، برگ ۱۸۵ رو - ۱۸۵ پ):

«هذا أمر الله و رقيم هرمس على ذلك منقوش».

برای موقعیت هرمس در جهان اسلام نک: فان بلادل ۱۳۹۳ش.

^۱ فان بلادل (۱۳۹۳ش)، صص ۸۵ - ۴۱.

^۲ نک: سهروردی (۱۳۸۰ش)، ج ۴، ص ۱۲۸.

«و كانت في الفرس امة يهدون بالحق، و به كانوا يعدلون، حکماء فضلاء غير مشبهة

المجوس، قد احيينا حکمتهم التورية الشريفة».

علوی (سیارات هفتگانه) و ابناء ثلاثه (گیاه، جانور، کانی) انداخته می‌شود؛ یعنی در بزرگداشت تمامی عناصر گیتی، اعم از آسمانی و زمینی.

از آنجا که اکنون تکریم هفت سیاره مد نظر است، تنها نمادهای هفت سیاره بر سفره هفت‌سین را معرفی می‌کنیم که عبارتند از: نارنج نماد خورشید؛ تخم‌مرغ نماد ماه؛ آینه نماد تیر (عطارد)؛ ماهی و تنگ آب نماد ناهید (زهره)؛ سنبل نماد بهرام (مریخ)؛ سنجید نماد اورمزد (مشتی) و ساعت نماد کیوان یا زروان (زحل).

در میان اسامی سیارات، آنگونه که در نیایش‌های سهروردی به کار رفته، دو نام با شکل کهن‌تر خود دیده می‌شوند. یکی از آنها می‌تواند لقبی باشد که از متن *اوستا* گرفته شده است: «هورخش» که از واژه اوستایی *həvara xša* یعنی «هور درخشان» (هور = خور؛ شید از صفت مفعولی *xšata*) برای خورشید و «مانگهار» از واژه اوستایی *mānha* برای ماه^۱ باز مانده است.^۲ «اورمان» که در متن سهروردی برای ناهید (زهره) به کار رفته است برگرفته از عبارت *āpō rāmōiōdwem* به معنای جای قرار گرفتن آب از یسنای ۶۵ است که در ستایش آب و آناهیتا سروده شده و نیایشگر با این یسنا از آب می‌خواهد که آرزوهای او را برآورد. *āpō* به معنای «آب» و *rāmōiōdwem* از ریشه *ram* به معنای «قرار گرفتن و سکونت داشتن» است. در طول زمان *āpō* در این عبارت به «ا» (هنوز در برخی مناطق «آب» را «ا» می‌گویند) و *rāmōiōdwem* به «رمه» تبدیل شده است. «ان» انتهایی «اورمان» نیز بازمانده از حالت اضافی باستانی است.

^۱ واژه «مانگ» برای ماه هنوز در گویش‌های شمال ایران و زبان کردی بازمانده است؛ از جمله در نام «مانگدیم» به معنای «ماهر».

^۲ برای «مانگهار» نک: Karbassian 2016, pp. 103 - 110.

توجه به سیارات به عنوان واسطه‌های فیض الهی پیش از سهروردی در آثار ابن‌سینا و به ویژه *رسالة فی السعادة* او نیز دیده می‌شود.^۱ هر دو فیلسوف هم اذعان داشته‌اند که از منابع ایرانی و غیر یونانی در این باره استفاده کرده‌اند^۲ و هستند پژوهشگرانی که حکمت مشرقی ابن‌سینا را پیشگام حکمت اشراقی سهروردی می‌دانند. همانندی سخن سهروردی در فرازی از تمجید چهارم *رسالة تمجیدات*، با سخن ابن‌سینا در نخستین فراز خطبه غراء نیز گواه روشنی است بر آشنایی شیخ اشراق با نیایش‌های سینوی.^۳

ابن‌سینا در مقدمه *منطق المشریین* تصریح می‌کند که در فلسفه مشرقی به دانش‌های غیر یونانیان نیز توجه داشته است و توانسته میراث پیشینیان را

^۱ نک: ابن‌سینا (۱۴۰۰ ق)، صص ۲۷۳ - ۲۷۲.

درباره درونمایه این رساله با توجه به بحث ما نک: کریمی زنجانی اصل (۱۳۸۶ش)، صص ۲۵۶ - ۲۵۱.

^۲ کریمی زنجانی اصل (۱۳۸۶ش، صص ۲۳۴ - ۲۳۳) *رسالة اضحویه* (نگاشته‌ای از دوران جوانی ابن‌سینا) را اثری کمتر بررسی شده در این ارتباط معرفی کرده است. او در نوشته دیگری (۱۳۸۲ش، صص ۱۶۰ - ۱۵۹، بی‌نوشت شماره ۱) درباره آشنایی شیخ الرئيس با اصطلاحات مانوی و سریانی و پهلوی و کاربرد آنها در رساله فی تعبیر الرؤیاء بحث کرده است.

^۳ نک:

تمجیدات سهروردی

خطبه غراء ابن‌سینا

سبحان الملك القهار الاله الجبار لا یدرک فسیحان الذی لا تدرکه الأبصار و هو
الأبصار و لا یمثله الأفكار یدرک الأبصار و لا یمثله الأفكار.

گفتمنی است که عبارت «لا تدرکه الأبصار و هو یدرک الأبصار» فرازی است از آیه ۱۰۳ سورة انعام (۶). در *رسالة الواردات و التقديسات* نیز شاهد کاربرد آیات قرآنی هستیم.

دریابد^۱ و در آغاز بخش منطق کتاب الشفاء هم از نگارش حکمت المشرقیه به روشی جز شفاء سخن گفته است.^۲ پژوهشگران چندی درباره اینکه منظور از دانش غیریونانی چیست بحث کرده‌اند. برخی مانند نبیل شهابی، پتر هیث، لن گودمن، دیمتری گوتاس، هربرت دیویدسون و عبدالرحمن بدوی با نادیده گرفتن اصطلاح «غیریونانی» آن را برداشتی از حکمت مشائیان یونانی و شارحان بغدادی ارسطو می‌دانند.^۳ در مقابل، کارلو آلفونسو نالینو و لویی گارده منشاء فلسفه مشرقی ابن‌سینا را در فرهنگ و جهان‌بینی ایران پیشا اسلامی می‌دانند؛ نظری که با دیدگاه هانری کربن درباره خوانش اشراقی فلسفه یونانی با منشأیی نوافلاطونی و دیدگاه گواشون و شلومو پینس درباره ارتباط شیخ با مکتب «غربی شده» جندی‌شاپور در تضاد است.^۴

به هر حال، هم ابن‌سینا و هم سهروردی به واسطه فیض بودن سیارات و جنبه الوهی داشتن آنها معتقدند؛ الوهی نه به معنای خدابودگی سیارات، بلکه تأکید بر قداست داشتن آنها. بدیهی است که توجه به سیارات در عین اینکه از تنجیم ناشی می‌شود، خود منشأ تنجیم نیز می‌گردد. بنابراین، پژوهش درباره اینکه باورهای تنجیمی چگونه به جهان اسلام وارد شده است، می‌تواند منبع الوهی دانستن سیارات در نزد برخی حکمای مسلمان را نیز مشخص کند.

^۱ نک: ابن‌سینا (۱۹۱۰م)، صص ۴ - ۲.

^۲ نک: ابن‌سینا (۱۳۷۱ ق)، ص ۱۰.

^۳ برای مشخصات کتابشناختی آثار آنها نک: کریمی زنجانی اصل (۱۳۸۶ش)، صص ۲۳۷ - ۲۳۶ (پی‌نوشت شماره ۱)، ۲۴۳ (پی‌نوشت شماره ۳).

^۴ برای بحث تفصیلی درباره آراء آنان نک: کریمی زنجانی اصل (۱۳۸۶ش)، صص ۲۴۹ - ۲۴۱.

پینگری و گوتاس رواج تنجیم در دوره عباسیان را ادامه سنت ساسانی می‌دانند که در ترجمه آثار فارسی میانه به عربی ریشه دارد.^۱ پیوتاک نیز نظر آنان را تکرار کرده است.^۲ افزون بر این، وجود هفته سیاره‌ای در متون سغدی مانوی^۳ به عنوان آیینی با بُن‌مایه‌های زرتشتی - گنوسی می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت سیارات در این آیین باشد و چه بسا که برخی از منابع مورد استفاده سهروردی به این گروه تعلق داشته باشد.

ساختار رساله و محتوای نیایش‌ها

بخش نخست رساله پس از مقدمه‌ای به نسبت طولانی که «رقیم مقدس» خوانده می‌شود، حاوی نیایش آرزوی دیدار (أورد الـاستبصار)، نیایش اندرز کبیر (وارد الوصیة الکبیرة)، نیایش روشنی‌ها (أورد الأنوار)، نیایش ستایش برای تمامی منازل عالی سیارات (وارد التقدیس لكل موقف کبیر)، نیایش‌های یادآوری (أورد التذکار)، نیایش‌های بازگویی در تمامی روزها (أورد الإقرار فی کلّ یوم)، نیایش ستایش والا برای تمامی روزها (وارد تقدیس الأعلى لكل یوم) و نیایش‌های مربوط به هفت سیاره است.

^۱ نک: پینگری (۱۳۸۴ش)، صص ۵۶۱ - ۵۵۴؛ گوتاس (۱۳۸۱ش)، صص ۸۵ - ۴۹.

^۲ Piątak (2018), p. 452.

^۳ نک: قریب (۱۳۸۶ش)، ص ۲۷.

Kēwān žamanu شنبه یا کیوان زمان؛

Mihr žamanu یکشنبه یا مهر زمان؛

māx žamanu دوشنبه یا ماه زمان؛

wanxan žamanu سه شنبه یا بهرام زمان؛

tyš چهارشنبه یا تیر؛

ormazd žamanu پنج شنبه یا اورمزد زمان؛

ādēnē آدینه.